



دانش

بازیگر همه‌کاره زیست‌شناسی مولکولی

۲۸



دانش

چاقی مانع بررسی رادیوگرافی دقیق

۲۸



آینه بدن را صیقل دهیم

۲۹

در آن هوای سرد پسری که حالا دیگر ۱۷ سالش شده بود، در قفس را باز کرد تا نوید آزادی را به پرندگان زبیا ببهد. درست دو سال پیش بود که به او هم نوید آزادی دادند و شرط کردند آزاد است و باید آزادی را به پرندگان هدیه دهد. پس‌رک آن زمان ۱۵ ساله بود و بعد از یک هفته آمد و شد به دادگاه، حالا مقابل میز قاضی ایستاده بود تا بداند آخر ماجرابی که او شروع کرده بود، چطور توسط آقای قاضی تمام می‌شود. او یک هفته پیش در حالی توسط پلیس بازداشت شد که با همکاری دوستش مقداری مشروبات الکلی خریده بود. پلیس هم آن دو را در حالی که مشروبیات را به همراه داشتند، بازداشت کرد و آنها روانه دادگاه شدند. در این دادگاه همه متهمان بچه بودند مثل خودش.

قاضی چند بار با آنها صحبت کرده بود و در طول هفته‌ای که گذشت، آن دو مرتب به دادگاه می‌آمدند. آن روز قرار بود آخرین روزی باشد که پس‌رک قاضی می‌آید. روی هر دو پا ایستاده بود اما دلش می‌لرزید، می‌دانست که اگر زندانی شود، مدت‌ها از دیدن پدر و مادر و خانواده‌اش محروم می‌شود.

قاضی با صدای رسا شروع به صحبت کرد. پس‌رک یاد شنیده‌هایش افتاد، شنیده بود که چون او از مشروبات الکلی نخورده مجازاتش شلاق نیست اما برای معامله و حمل آنها حتماً زندانی می‌شود که هر قدر هم مدتش کوتاه باشد، باز هم برای او بلند است و طاقت‌فرسا. خیره و منتظر چشم به لب‌های قاضی دوخت. قاضی با همان صدای رسا، آرام‌آرام جملاتی می‌گفت و منشی در کنارش می‌نوشت. دقت کرد تا بداند حکم‌اش چیست قاضی داشت می‌گفت که مجرمیت او محرز است، یعنی او مجرم است و بعد اعلام کرد که به سه ماه حبس محکوم می‌شود. گفته‌های قاضی به این ختم نشد و او باز هم ادامه داد و از شرایط دوران بلوغ پس‌رک گفت و بعد هم این موضوع را یادآور شد که او دوست داشته هر چیزی را خودش تجربه کند.

راست می‌گفت آن دو می‌خواستند بدانند اگر حرام است، چرا؟

اما حالا کارشان به اینجا کشیده بود، دیگر قاضی بعد از گفتن این جملات در نهایت دو پسر را محکوم کرد به آزاد کردن پنج جفت پرنده وحشی، زیبا و کوچک مثل مرغ عشق و بلبل در پارک تهران.

پس‌رک به خوش آمد، اول نمی‌دانست چه خبر شده اما بعد فهمید جملات آخری که شنیده باید اجرا شود. یعنی دیگر زندانی نمی‌شد. . .

امروز هم بعد از دو سال برای همین به این پارک آمده بود. هواسر بود اما او در دلش هیچ سرمایه‌ای را احساس نمی‌کرد. پرنده‌ها با همه زیبایی بالای سرش به پرواز درآمده‌ن. پس‌رک آنها را آزاد کرد اما می‌دانست این پرنده‌ها نمی‌توانند سرمای مهلک زمستان را تحمل کنند. . .

■ ■ ■

سه برادر در مقابل میز قاضی قرار گرفتند، فکرش را هم می‌کردند که به خاطر سرعت میهمان بود. پدرشان کمی آن طرف‌تر ایستاده بود. سرش پایین بود و با نگاهی شمات‌انگ زیرچشمی نگاه‌شان می‌کرد. به محض آنکه قاضی او را مخاطب قرار داد و اجازه صحبت پیدا کرد خطاب به سه پسر ناله و فغانش به آسمان رفت که مگه چیزی برای شما کم گذاشته بودم، مگه چیزی خواستید که من نخریدم؟

آخه چرا با آبروی من بازی کردید، مردم نمی‌گویند آقای دکتر آفتدر به‌خواسته‌های بچه‌هایش پی‌توجه‌بوده که رفتن برای دزدی؟ شما با این کارها برای من آبرو نگذاشتید، آخه من از دست شما چه کار کنم؟ . . .

جلسات مسلسل وار بر سر سه جوان می‌بارید و آنها فقط سر به زیر ایستاده بودند و چیزی برای گفتن نداشتند. دکتر راست می‌گفت، هیچ وقت خواسته‌هایشان پی پاسخ نمانده بود و حالا آبروش هم می‌رفت.

صحبت‌هایش تمام شده بود اما مات و مهوت به هر سه پسرش نگاه می‌کرد. لحنش بعد قاضی به پدر عصبانی‌گفت که اتاق خارج شود، او می‌خواست بداند چرا آنها را وجودی که نیازی نداشتند، ضبط خودروها را می‌زدبندند. سه برادر از مدت‌ها پیش شب‌ها از خانه خارج می‌شدند و سراخ خودروهای مدل بالا می‌رفتند یکی از همان‌ها که پدرشان هم داشت.

بعد با شکستن شیشه خودروها ضبط آن را می‌زدبندند. ضبط‌های زیادی دزدیده و بی‌مصرف در گوشه‌های انداخته بودند.

قاضی هم از این موضوع تعجب می‌کرد، سه برادر حتی ضبط‌ها را نفرختند تا از پولش استفاده کنند. جواب سه برادر به ستوال‌های قاضی که دلیل کارهای آنها را بجوای می‌شد، این بود که یکنواختی زندگی خسته‌شان کرد بود تا اینکه دنبال یک کار پرهیجان رفتند. هیجان دزدی برایشان آفتدر لذیبخش بود که این کار را ادامه دادند. یکی از همان شب‌های هیجان‌انگیز بود که صدای دزدگیر یک خودرو آنها را به خود آورد، اما پیش از آنکه اقدامی انجام دهند خود را در محاصره چند نفر دیدند. فردا صبح هم دستبند به دست در دادگاه حاضر شدند، بعد نگاه‌های ناراحت و کنجکار پدرشان که در عمق نگاهش می‌پرسید مگر شماها چیزی کم داشتید؟

قاضی می‌دانست هر سه برادر دانش‌آموزند و دو برادر

وضعیت‌های مختلف خانوادگی و اقتصادی حکم حبس در منزل صادر می‌شد که برای اجرای آن مددکاران کانون اصلاح و تربیت و نظارت مدیر کانون همکاری می‌کردند و هر هفته گزارشی از برخورد مددجویانی که در منزل حبس شده بودند به قاضی ارائه می‌شد و آنها در ساعات مختلف کنترل می‌شدند. در مراحل بعدی هم صدور حکم حبس‌های پاره‌وقت برای دانش‌آموزان آغاز شد. قاضی برای آنکه دانش‌آموزان از تحصیل بازمانند در یکی دو روز آخر هفته آنها را به کانون می‌فرستاد و در این مدت هم در محلی جداگانه از سایر بچه‌های کانون، وقت می‌گذرانند.

صدور حکم ارائه خدمات عام‌المنفعه اما فقط به کانون و محیط کانون ختم نمی‌شد. نوجوانانی بودند که پس از آموزش دوره کشاورزی مدتی را در کانون به کشاورزی پرداخته و بعد آزادی می‌شدند اما نوجوانانی هم با رضایت خود محکوم می‌شدند به ارائه خدمات در خانه سالمندان، شهرداری و . . . نوع دیگری از این احکام هم شامل حال افرادی می‌شد که دارای تخصصی بودند و قاضی حکم می‌کرد که مدت زمانی را برای آموزش آن تخصص به نوجوانان کانون، سپری کنند.

به گفته مظفری پس از آن پس از کسب نظریه روانشناسی و تشخیص نوع علاقه‌مندی نوجوان به یک حرفه صادر می‌شد. به‌طور تعداد زیادی از این آرا حالا دیگر اندکی از این راه سخت و پرفراز و نشیب که به‌زعم بسیاری حتی سنت‌شکنی در قانون به شمار می‌آمد، طی شده بود. وقتی آوازه صدور این احکام به گوش رئیس قوه قضائیه هم رسید، او کمیته‌ای تشکیل داد تا موضوع جایگزین‌ها بررسی شود، بعد هم پنج نفر از قضات انتخاب شدند تا لایحه اطفال و نوجوانان را بنویسند لایحه نویته شد و پس از ارسال به مجلس با گذراندن دو شور در کمیسیون قضایی، عن‌قرب است که در صحن مطرح شود.

قاضی مظفری پس از اخذ این تاییده‌ها از مسئولان قضایی کشور با سفر به استان‌های مختلف سعی کرد، قضات استان‌های دیگر را هم با صدور این نوع احکام آشنا کند که این سفرها همچنان ادامه دارد.

■ **بازخورد مهربانی‌ها**

با صدور احکام اجتماعی در سال ۷۸، منصور مقاره عابد، مدیر کانون اصلاح و تربیت وقت، در گزارشی از نتایج اجرای این آرا به بررسی بازخورد اجرای احکام اجتماعی و تفاوت آن با احکام عادی پرداخت. در این گزارش که روی نوجوانان ۱۷ساله انجام شده، ۴۲ درصد مددجویان که احکام جدید در مورد آنها صادر شده معتقد بودند عدالت در مردشان اجرا شده در حالی که تنها ۲۵ درصد افرادی که احکام عادی بر آنها اجرا شده به این موضوع اعتقاد داشتند.

۴۷ درصد افرادی که حکم اجتماعی در مورد آنها اجرا شده معتقد بودند که سزاوار آن حکم هستند و تنها ۸ درصد معتقد بودند اگر حکم دیگری صادر می‌شد بهتر بود. این در حالی است که ۸۳ درصد از این افراد کار یا تحصیلی که به واسطه آن محکوم شده بودند را قبول می‌کردند و ۴۲ درصد اعلام کردند اگر دوباره کار خلافی انجام دهند که امکان قرار داشته باشند، امکان دارد خود را به کانون معرفی کنند. از بین این افراد فقط ۳۳ درصد معتقد بودند زمان محکومیت با آنها به عنوان خلافکار رفتار شده ولی ۸۳ درصد معتقد بودند پس از پایان دوره محکومیت خیلی کم با آنها به عنوان خلافکار رفتار خواهد شد و همه آنها برای دوره بعد از محکومیت خود برنامه‌ریزی کرده بودند.

این آمار در مورد افرادی که احکام عادی در موردشان صادر شده بود، تفاوت نه چندان کمی داشت، تنها ۳۳ درصد از این افراد خود را سزاوار حکمی که برایشان صادر شده، می‌دانستند و نیمی از آنها اعتقاد داشتند اگر حکم دیگری در موردشان صادر شده بود وضعیت بهتری داشتند. در این میان

۴۲ درصد افراد هم کار خلاف خود را قبول داشتند، در حالی که تنها ۲۵ درصدشان حاضر بودند در صورت ارتکاب خلاف، خود را معرفی کنند. نیمی از این افراد معتقد بودند که در دوره محکومیت با آنها مثل خلافکارها رفتار کردند و نیمی هم معتقد بودند پس از پایان دوره محکومیت با آنها مثل یک خلافکار رفتار می‌شود. از میان این افراد تنها ۵۸ درصد برای دوره بعد از محکومیت برنامه‌ریزی کرده بودند.

■ **احکام سمبلیک**
از همان سال‌های ۷۸ تا امروز احکام زیادی از سوی قضاتی که صدور این احکام را قانونی می‌دانستند، صادر شده. آزاد کردن پنج جفت پرنده زیبا و وحشی از جمله آنها است که در سال ۸۲ صادر شد و بازتاب جالب توجهی هم در مطبوعات داشت. این حکم دو سال بعد از صدور به اجرا درآمد.

اما کاشتن ۹۱ اصله درخت هم از همین نوع احکام است که البته اجرای آن کم با دشواری همراه نبود. پسر ۱۷ساله به دلیل حمل مشروبات الکلی، بازداشت و روانه دادگاه شد. قاضی فارسی در همان زمان یعنی سال۸۲ را به سه ماه و یک روز حبس محکوم کرد اما با در نظر گرفتن شرایط او در دوره بلوغ حکم تغییر کرد به کاشت ۹۱ اصله درخت. به گفته قاضی فارسی که هم‌اکنون باز‌پرس شعبه سوم دادسرای اطفال است، منتهم قرار بود با هماهنگی سازمان محیط زیست و شهرداری تهران، در درختان را در سطح تهران بکارده که از این تعداد درخت ۹۱ اصله کاشته شد.

قاضی فارسی معتقد است که برای صدور و اجرای این مجازات‌ها (مجازات‌های جایگزین)، قانون باید به عنوان بنیانگذار سیاست جنایی از قاضی حمایت کند و قوانین آن هم در قوانین ما گنجانده شود.

او از تهیه امکانات و لوازم برای اجرای چنین احکامی می‌گوید و اضافه می‌کند: پذیرش این احکام در جامعه هم نیاز به فرهنگ‌سازی دارد تا مردم آن را به عنوان نوعی مجازات هم به‌علاوه بر جریان خسارت‌شاکی خصوصی یک نوع دفاع اجتماعی هم محسوب می‌شود و به نفع مصلحت نوجوان است، بپذیرند. این مجازات نوجوانان را از محیط بسته زندان دور می‌کند تا دچار آسیب‌های ناشی از حبس نشوند.

او به دوران حساس بلوغ اشاره می‌کند و می‌گوید: دوره بلوغ حساس‌ترین دوره زندگی هر انسانی است که آنها به دنبال زیبایی‌طلبی، مد و . . . می‌روند، حالت‌های دوران بلوغ تحت‌دخال مقامات قضایی هم خود به خود با این شدن دوران بلوغ و رسیدن به بزرگسالی محو می‌شود، با این وجود تابیشی نوجوانی را به دلیل انجام کاری که فکر می‌کنیم با هنجارهای ما مطابقت ندارد مجازاتی کتیم از نوع زندان! ۹۰ درصد مردم دنیا در دوران نوجوانی مرتکب اعمالی می‌دانند که ما آنها را جرم محسوب می‌کنیم اما عده‌ای از آنها گرفتار قانون نشدند و حتی در سن بزرگسالی هم افراد خوبی شدند‌اند.

به نظر می‌رسد در صدور آرای سمبلیک اینچنینی دلیل خاصی نداشته باشد. مظفری آنها را احکامی سمبلیک می‌داند و فارسی می‌گوید که مثلاً کاشت درخت می‌تواند در روحيات نوجوان تاثیر بگذارد تا شاید او را از ورطه بزه‌کاری و اعمال پرخاشگری و افسردگی ناشی از گرایش به مواد الکلی نجات دهد. از سوی دیگر آزاد کردن پرندگان هم می‌تواند نوجوان را به دوستی با حیوانات سوق دهد.

■ **این کار جدید هنوز جایگاه قانونی ندارد**
همان‌طور که پیشتر آمد اجرای برخی از این احکام با دشواری‌هایی همراه است.

فارسی در مورد همکاری پلیس در اجرای این احکام اشاره می‌کند اما بر وجود پلیس نوجوان‌تأکید دارد که آموزش‌های لازم را در مورد کودک و نوجوان گذرانده باشد. او می‌افزاید: «شهرداری با توجه به امکاناتی که در اختیار دارد می‌تواند در زمینه کمک به دختران فراری مکانی را در اختیار ما بگذارد تا زمانی که خانواده‌های آنها شناسایی شوند. با وجود این امکان، آنها خارج از زندان و در محیط سالم نگهداری می‌شوند.

در حالی که مظفری معتقد است طبق قانون، دستور قاضی باید اجرا شود، منصور طاهری سرپرست اجرای احکام دادسرای اطفال بر این اعتقاد است که مجازات‌های جایگزین حبس، جایگاه قانونی ندارد و قانونگذار عملاً مجازات‌هایی را در قالب جایگزین حبس تصویب نکرده است. او می‌گوید: «از آنجا که قضات ملزم به اجرای قانون هستند و این نوع مجازات‌ها هنوز جایگاه قانونی ندارند، بیشتر از نماد تعلیق استفاده می‌شود.»

طاهری که بر فقدان جایگاه قانونی این مجازات تأکید دارد معتقد است بستر قانونی برای اجرای این مجازات‌ها فراهم نشده



اما به قدرت چنین آرای صادر می‌شود. احکامی مانند انجام کارهای عام‌المنفعه صادر می‌شود اما چون قانون این مجوز را به آنها ابلاغ نکرده، زیاد اعمال نمی‌شود.

او از دشواری‌های کاری می‌گوید که در قانون نیست و راهکارهای اجرایی آن هم به صورت آیین‌نامه اجرایی ابلاغ نشده: «نوجوانی به حبس در منزل محکوم شده بود، از خانواده‌اش خواستیم هر ۱۰ روز گزارش نگهداری فرزندشان در خانه را بدهند که خانواده همکاری نکرد و ما با مشکل مواجه شدیم.»

طاهری می‌گوید: «در این دادسرا عمدتاً قضات سعی می‌کنند با توجه به وضعیت نوجوانان و سن آنها، اجرای مجازات را تعلیق کنند که البته تعلیق راهکار مناسبی است که هم جنبه ادعایی مجازات محفوظ می‌ماند و هم آنکه تعلیق از سجل کیفری شخصی که مرتکب جرم نشده، محو می‌شود.» مظفری اما با بیان اینکه اجرای مجازات جایگزین سخت اما اجرایی است، تأکید می‌کند که از اول قابلیت‌های اجرایی آن را در نظر می‌گیریم و کانون اصلاح و تربیت هم با ما همکاری می‌کند. او همه‌تکم در اجرای احکام اجتماعی را به بخش تبلیغاتی بین‌نهاده‌و ارگان‌های مختلف می‌داند که اگر نباشند احکام کارایی خود را از دست می‌دهند. در این میان ستوالی بیش از هر چیز مطرح می‌شود که پاسخگویی به آن می‌تواند مشخص‌کنند، آیا شروع جرایمی که از سال ۷۸ آغاز شد یک سنت‌شکنی بود که به‌زعم برخی ممکن است آثارشیمم قانونی ایجاد کند یا تنها استفاده از قابلیت‌های بالفعل قانونی است؟

■ **قوانینی که وجود دارند**

دکتر علی نجفی‌توانا می‌گوید: «در قوانین ما نوعی مجازات‌های در عین حال غیرکیفری ولی جایگزین مقرر شده و در مورد اطفال هم نگاهی اصلاح‌گر بر مجازات آنها غلبه داشته است. اما این روند مرتقی در سال‌های بعد از انقلاب به بخش تأدبیر جایگزین موردعایت قرار نگرفت. «او به ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی اشاره می‌کند که به نوعی درخصوص مجازات بازدارنده، کیفرهای جزای نقدی، تعلیلی محل کسب، لغو پراوته و . . . را مد نظر قرار می‌دهد.

او می‌گوید: «مقاد بسیاری از قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات که تا به‌حال نقدی اشاره دارد هم به نوعی جایگزین کیفرهایی مانند حبس است. علاوه بر آنکه قضات با استفاده از ماده ۲۲ مجازات اسلامی حتی حق تبدیل مجازات حبس به مجازات دیگری را که مناسب به حال منتهم باشد، تجویز می‌کند و ماده ۲۲۸ این قانون با لحاظ خصوصیات مجرم و دفعات ارتکاب جرم، تأدبیر از جمله قطع موقت خدمات عمومی، تخفیف و تعلیق مجازات اتخاذ کند.»

نجفی‌توانا اضافه می‌کند: «به نظر می‌رسد قضات زمینه لازم برای اتخاذ تأدبیری به ویژه در بسیاری از جرایم تعزیری داشته باشند، اما در مورد تأدبیری که اخیراً در دنیا رواج یافته، مانند انجام کارهای عام‌المنفعه، حبس در خانه، الزام به آموزش، ترک اعتیاد و . . . کشور ما با خلاء قانونی مواجه است و به جز بخش اعتیاد در بخش‌های دیگر قوانین لازم برای طبقه‌بندی مددجویان یادآور می‌شود: «قانون به قضات اجازه نمی‌داد که برای پیشگیری از اثرات منفی زندان بر اطفال و خانواده‌اتها، به‌جای مجازات‌های سنتی به تأدبیر جایگزین روی آورند، این ضرورت تا به آنجا رسید که قضات با احساس مسئولیت، تاجیه نجفی‌توانا از تصمیمات خود در صدور احکام اجتماعی را پذیرفتند.» نجفی‌توانا درباره همکاری بخش‌های مختلف برای اجرای چنین احکامی توضیح می‌دهد: «کلیه بخش‌های قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها و اطفال در کانون‌های اصلاح و تربیت و فقدان امکانات لازم برای طبقه‌بندی مددجویان یادآور می‌شود: «قانون به قضات اجازه نمی‌داد که برای پیشگیری از اثرات منفی زندان بر اطفال و خانواده‌اتها، به‌جای مجازات‌های سنتی به تأدبیر جایگزین روی آورند، این ضرورت تا به آنجا رسید که قضات با احساس مسئولیت، تاجیه نجفی‌توانا از تصمیمات خود در صدور احکام اجتماعی را پذیرفتند.» نجفی‌توانا درباره همکاری بخش‌های مختلف برای اجرای چنین احکامی توضیح می‌دهد: «کلیه بخش‌های قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها و اطفال در کانون‌های اصلاح و تربیت علاوه بر پزشکی قانونی موظف به همکاری با قاضی هستند اما با توجه به خلاء قانونی، رابطه قانونی بین سازمان‌های مختلف که بتوان براساس آن دستوری صادر کرد، وجود ندارد. در این حالت حکم قاضی برای منتهم و محکوم ایجاد تکفیر می‌کند اما امکانات اجرایی آن در عالم خارج وجود ندارد. بنابراین برای تدوین ضوابطی در مورد تأدبیر جایگزین با پیش‌بینی سه قوه باید در کنار امکانات قضایی، امکانات اجرایی هم فراهم شود.»



جامعه

نام خلیج پارس در ترکیه: خلیج بصره

۳۰



خانه

آینه بدن را صیقل دهیم

۲۹

هشدار جامعه جنگل بانی

به تخریب پارک جنگلی چغاسبز ایلام

عبور از کمربندی ایلام از وسط پارک جنگلی

جامعه جنگلبانی ایران نسبت به ایجاد پروژه جاده کمربندی شهر ایلام که بدون مطالعه و ارزیابی زیست محیطی طراحی شده و به دنبال آن بیش از ۷۰هکتار از اراضی جنگلی نابود می‌شود هشدار داد. در گزارش این NGO آمده است: آنچه که در پارک سرخه‌حصار آرام و بی‌سر صدا اتفاق افتاده و کماکان ادامه می‌یابد تخریب گسترده‌تر و خاموش است که کمتر کسی آن را نوشته و گفته است. تنها کسانی که پارک ایجاد کرده و زحمت کاشت و نگهداری درختان را به عهده داشته‌اند یا مردمی که پارک را محلی برای تفریح و تفرج دیده و بهره‌برده‌اند شاهد کاهش سطح و قطعه‌قطعه شدن این پارک هستند.

پارک جنگلی سرخه‌حصار به مساحت ۶۵۰ هکتار از سال ۱۳۴۲ در شرق تهران و ورودی جاده دماوند به تهران احداث شده به طوری که در دو دهه اخیر جزء پارک‌های تفریحی و تفرجی برای مردم شرق شهر تهران درآمده و مورد استفاده و اقبال عمومی قرار گرفته است و هرچند که هر از گاهی مورد آتش سوزی یا تخریب بطنی قرار می‌گیرد لیکن تخریب وسیع آن در اجرای توسعه شهری است تا جایی که مساحت آن به کمتر از چهارصد هکتار تقلیل کرده و همان بالای پارک لویزان به صورت خاموش و وسیع‌تر بر سر این پارک هم آمده است و شاهدان عینی می‌گویند که در آنجا هم وقتی نتوانستند اراضی مردم و نهاده‌ها را تملک کنند ساده‌ترین راه را عبور کانال و برزگره داخل پارک دیدند و خودهرچه‌خواستند کردند و در مراحل حادقل ۱۰ هزار اصله درخت (بیش از ۲۰ هکتار) را قطع کردند و اخیراً هم در مناطقی از پارک رنگ ریخته‌ند تا حداقل ۶ تا ۷ هزار اصله درخت دیگر را قطع نمایند که خود فاجعه زیست‌محیطی بزرگی است و دامنه این تخریب‌ها به پارک‌های دیگر مانند پارک جنگلی چیتگر هم کشیده شده و ادامه دارد و می‌رود تا آرام‌آرام از پارک‌های جنگلی شهر تهران جز پوسته‌ای یا کله‌ای کوچک و غیرقابل استفاده باقی‌نماند. لذا ما به‌رغم اینکه به توسعه شهر و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن معتقدیم و علاقه‌مندیم مدیریت شهری با همکاری آحاد مردم به موفقیت دست یابد و آماده هرگونه همکاری با آنها هستیم لیکن این‌گونه برخورد با پارک‌های جنگلی و درختان را درست نمی‌دانیم و معتقدیم این‌گونه اقدامات و تصمیمات حرمت و حریم درختان و ارزش و اهمیت فضای سبز را شکسته و احترام آنان را در جای‌جای کشور خدشه‌دار کرده است و ستوال اینجا است که چگونه در طول دو دهه اخیر حدود ۲۵۰ هکتار از مساحت فقط یک پارک کاهش یافته و این کاهش کماکان ادامه دارد و به پارک‌های دیگر هم سرایت می‌کند تا جایی که در پارک جنگلی چغاسبز در ایلام هم فاجعه در حال تکرار است. پارک جنگلی چغاسبز با مساحت ۴۱۷۰ هکتار از پارک‌های جنگلی طبیعی و بسیار بااهمیت و زیبا در کنار شهر ایلام که در بخش قابل ملاحظه‌ای از آن عملیات احیایی از قبیل جنگل کاری، بذرکاری صورت گرفته و از نادر پارک‌های جنگلی کشور است که هم فضای سبز طبیعی کم‌نظیری برای شهر بوده و هم تخریب و تجزواتات پیرامون شهر کاملاً محسوس و به حدافل رسید و کنترل‌کننده طبیعی تخریب و تجاوز پیرامون شهر است که امروز معضل اکثر شهرهای کشور است و همین‌طور مدیریت کلان استان ایلام مدعی مهمانداری زوار عتبات عالیات عراق است. حال چگونیزه پروژه جاده کمربندی شهر ایلام بدون مطالعه و ارزیابی زیست‌محیطی مطالعه و طراحی شده به صورتی که حدود ۷۰هکتار اراضی جنگلی را بین می‌برد، حدود ۱۸۵ هزار اصله درخت و نهال بلوط قطع می‌شود، حدود ۸۶۰۰ اصله درخت دست‌کاشت که بایستی برداشته شود و حدود ۵۰ هزار اصله درخت و درختچه از گونه‌های دیگر نابود شود. چرا به‌رغم اینکه در پروژه‌های سوم و چهارم توسعه مطالعه و طراحی پروژه‌های عمرانی را ملزم به اخذ زیست‌محیطی نموده است ولی پروژه کمربندی شهر ایلام افراد بی‌توان مطالعه‌اند و امروز می‌خواهند به هر صورت ممکن سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری را مجبور به صدور مجوز نمایند. این رسم کجای دنیاست که هر کسی کار خود را می‌خواهد به صورت میان‌بر و آسان پیش ببرد و در پروژه‌های عمرانی این چنین ارزش زمین، منابع ملی، جنگلی، مرتع و ارزش‌های زیست‌محیطی و همین‌طور اقتصادی آن را حساب‌نیاورد و بستر حیات انسان‌ها را بی‌محابا به دست ماشین آلات سنگینی سپرده و مظلومانه قربانی نمایند. لذا این جامعه پیشنهاد می‌کند مدیران سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور ضمن مطالعه و ارائه راهکارهای علمی و منطقی در جهت حفاظت اکوسیستم‌های طبیعی، جنگل‌کاری‌های دست‌کاشت اطراف شهرها و همین‌طور حفظ مراتع کشور در مقابل سودجویی و بهره‌کشی دیگر دستگاه‌ها تا حد استعفا و برکناری مقاومت نموده و آخرت خویش را به دنیای دیگران نفرشوند چون منابع طبیعی جزء انفال کشور اسلامی است و بایستی از آن حفاظت کرد. و از طرفی دستگاه‌های اجرایی کشور پیشنهادت خیرخواهانه و مفید برای کشور که توسط کارشناسان منابع طبیعی و محیط زیست پیشنهاد می‌شود را بپذیرند و به جنگل‌ها و مراتع پدیدہ بستر حیات مردم بنگرند و پروژه‌ها را با رعایت ارزش‌های زیست‌محیطی طراحی کرده و خسارت وارده به طبیعت را هم بپردازند. بنابراین برابر پیشنهاد کارشناسان فنی سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور اعزامی از تهران مسیر کمربندی را به‌خارج از پارک منتقل نمایند چون برای تان کردن ایلام عرصه‌ها به قطع درختان پارک‌های جنگلی ممنوع است.